

## اقتصاد و توسعه یافتگی انسانی با رویکرد اسلامی

محمد حسن فیاض\*

چکیده

تولید ناخالص داخلی، شاخص قیمت‌ها و اشتغال، مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصادی یک کشور به حساب می‌آیند. اگر دولتی توانست قیمت‌ها را کنترل و تثبیت کند و تولید داخلی‌اش مناسب با شرایط اجتماعی بوده و بیکاری به معنای خاص آن وجود نداشته باشد، توانسته است گام‌هایی را در راستای تحقق اهداف توسعه اقتصادی بردارد. در رویکرد اسلامی، اشتغال یک امری مهم و پسندیده محسوب می‌شود و می‌توان همانند شاخص‌های توسعه جهانی و بین‌المللی، عناصر و مؤلفه‌های توسعه انسانی را مطرح کرد و به نظر می‌رسد که اگر جامعه اسلامی با توجه به امکانات وسیع مادی و معنوی، از رشد لازم همراه با علم‌ورزی و عدالت‌محوری برخوردار باشد، به توسعه انسانی دست خواهد یافت؛ بدین جهت، در نگاه تطبیقی می‌توان واژه‌های «وسع»، «علم‌آموزی» و «رشد» را در توسعه انسانی با رویکرد اسلامی هم‌معنای مرتبط با «امید به زندگی»، «سطح تحصیلات» و «زندگی شایسته» که از عناصر و مؤلفه‌های توسعه است، مدنظر قرار داد. آنچه در مباحث توسعه اهمیت دارد، رسیدن فرد و جامعه به زندگی سالم و رفاه اقتصادی و اجتماعی است. به نظر می‌رسد هر امری همانند علم، عدالت، رشد و هر

\* پژوهشگر.

موضوع دیگری که در این فرایند کمک کند، می‌تواند به عنوان شاخص یا عنصر توسعه به حساب آید. با تأسف باید گفت توسعه در کشورهای توسعه‌نیافته یا فقیری مانند کشور افغانستان، راه دشوار و پریپیچ و خمی دارد و تا زمانی که اندیشه و رفتار توسعه‌ای مبتنی بر شاخص‌ها و مؤلفه‌های آن تحقق پیدا کند، کاری سخت و راه طولانی خواهد داشت.

واژگان کلیدی: اقتصاد، توسعه، توسعه انسانی، تولید ناخالص داخلی.

## ۱. مقدمه

اقتصاد و توسعه از مفاهیم بنیادین در جوامع انسانی است. اقتصاد متوازن شرط لازم و البته نه شرط کافی در پیشرفت و توسعه یک کشور محسوب می‌شود. برنامه‌ریزی اقتصادی مناسب و توجه به عوامل و زمینه‌های تولید کافی در فرایند اشتغال و کاهش نرخ بیکاری و امید به زندگی بسیار تأثیرگذار خواهد بود و از برآیند و محصول آن، بخشی از نیازهای انسانی و اقتصادی جامعه فراهم می‌شود. چنان‌که خواهد آمد، برای توسعه یک کشور صرفاً بعد اقتصادی کفایت نمی‌کند و در کنار آن سایر ابعاد توسعه، از جمله توسعه انسانی، لازم و ضروری است؛ چرا که امروزه توسعه بیش‌تر به سمت رویکرد انسانی و توجه به جایگاه او متمرکز شده است.

توسعه به معنای وسیع آن ناظر به همه ابعاد زندگی انسان و بهبود کیفیت زندگی آن‌ها است که همواره از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب در حرکت باشد. اگر وضعیت فعلی جامعه متناسب با شرایط زندگی مردم نیست، عوامل و زیرساخت‌هایی را باید در نظر گرفت که مردم آن، هماهنگ با شرایط و مقتضیات‌شان، به پیشرفت نسبی نایل آمده و با توجه به شاخص‌های توسعه‌یافتگی به کیفیت زندگی مطلوب و ایده‌آل دست یابند.

توسعه با توجه به اصطلاح خاصی که دارد، یکی از مباحث جدید بشری است و عمر چندانی ندارد. چند دهه‌ای است که در سطح جهان این موضوع در میان فعالان فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مطرح شد که چه راه‌کارها و فرایندهای را برای مردم تدارک دید تا به پیشرفت و توسعه همه‌جانبه نایل شوند. اما توسعه انسانی - چنان‌که خواهد آمد - دو دهه‌ای است که در سطح جهان و در میان سازمان‌های بین‌المللی مطرح شده و اصل جایگاه و کرامت انسان به جای رفاهی مبتنی بر اقتصاد اجتماعی صرف، مدنظر قرار گرفت.

در این میان، یکی از مؤلفه‌های اصلی، متون دینی و الهی است که چگونه می‌توانند نقش داشته

باشند. به عبارت دیگر، چه مباحثی را می‌توان از روایات و قرآن کریم که همواره الگوی زندگی سالم را برای انسان‌ها ارائه می‌دهند، نسبت به توسعه انسانی و اقتصادی به دست آورد؟

پاسخ این پرسش و سؤالات مرتبط با آن، ضرورت تحلیل و بررسی اقتصاد و توسعه انسانی را به خوبی عیان می‌سازد تا تحقیق علمی در راستای تأمین اهداف این موضوع که همانا تأثیر اقتصاد و توسعه در تحول و دگرگونی جامعه به سمت و سوی ترقی و کمال است، صورت گیرد؛ بنابراین، درونما و چشم‌انداز این تحقیق عبارت است از بررسی مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی و نگاه تطبیقی آن با رویکرد اسلامی و آنگاه به مهم‌ترین شاخص‌های توسعه و بیش‌تر به توسعه انسانی و اسلامی خواهد پرداخت.

## ۲. مفاهیم

معنایابی برخی از مفاهیم کلیدی، جهت‌دهی پژوهش را تسهیل می‌کند؛ لذا اقتصاد و توسعه در این‌جا و توسعه انسانی در جای خودش ضرورت دارد تا مفهوم‌یابی شوند.

## ۳. اقتصاد

اقتصاد عبارت است از آن بخش فعالیت‌های انسان که در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف اختصاص دارد و هدف از آن نیل به معاش و رفاه مادی با رعایت بهترین روش‌ها است. این فعالیت‌ها با استفاده از منابع کمیاب از میان نیازهای نامحدود، نیازهایی را انتخاب می‌کنند که بیش‌ترین اولویت را برای فرد یا جامعه داشته باشند (خلیلی تیرتاشی، ۱۳۸۴: ۲۵). سه واژه کلیدی و اساسی در معنای اقتصاد نهفته است: تولید، توزیع و مصرف. تولید نیازمند عوامل و منابعی زیادی است تا محصولی به دست آید. این‌که چگونه پخش و با چه تقاضاهایی روبه‌رو است، مربوط به توزیع می‌شود و این‌که آن را با چه کیفیت به مصرف برساند و چگونه محصولات را به دست مصرف‌کننده برساند، مربوط به حوزه مصرف است.

## ۴. توسعه

توسعه به معنای وسعت‌دادن و فراخ‌نمودن، فرایند بهبود مداوم زندگی انسانی در همه عرصه‌های مادی، معنوی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که انسان در این فرایند به عزت نفس و اتکالی به خود، همراه با گسترش دایره انتخاب در محدوده پذیرفته‌شده دست می‌یابد (نظریور، ۱۳۷۸: ۲۷-۲۸). چنان‌که از این مفهوم برمی‌آید، توسعه دارای ابعاد وسیعی است که با فرایند زندگی مردم سر و کار

دارد. مهم‌ترین این ابعاد، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و انسانی است.

با گذشت زمان، توسعه از روند جنبه اقتصادی به سمت جایگاه انسانی تعمیم پیدا کرد؛ چرا که اهداف رشد اقتصادی در بسیاری از کشورها محقق شد؛ اما شرایط زندگی توده عظیمی از مردم تغییر نکرد. بدین جهت، محققان در تکاپوی عوامل دیگری در روند توسعه بودند تا آن را کشف و اجرا کنند. به تدریج، شأن انسان مورد توجه قرار گرفت و توسعه بر محور مردم متمرکز شد؛ زیرا مردم سرمایه اصلی جوامع محسوب شدند و رشد اقتصادی نه به عنوان هدف توسعه بلکه به عنوان وسیله‌ای برای افزایش فرصت‌های زندگی مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس، توسعه انسانی، فرایندی است که طی آن امکانات افراد بشر از قبیل داشتن زندگی طولانی توأم با سلامت، فراگرفتن دانش و برخورداری از سطح زندگی مناسب، گسترش می‌یابند (سپهری، ۱۳۸۵: مقدمه کتاب).

## ۵. مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصادی

اگرچه صاحب‌نظران و کارشناسان اقتصادی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های زیاد اقتصادی را برشمرده‌اند؛ اما این نوشته از میان آن‌ها به مهم‌ترین آن که بیش‌تر به جنبه توسعه اقتصادی مرتبط است، خواهد پرداخت. بر این اساس، ابتدا به مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی به اندازه ضرورت و نیاز خواهد پرداخت و آنگاه ارتباط آن با توسعه اقتصادی بررسی خواهد شد.

### ۵-۱. تولید ناخالص ملی

از نظر اقتصادی، مباحث زیادی پیرامون تولید ناخالص ملی یا داخلی مطرح است که این امر ظرفیت و گنجایش خاصی می‌طلبد تا آن را کامل کرد؛ اما در برابری کلی توجه می‌کند که این موضوع یکی از شاخص‌های مهمی اقتصادی جامعه است؛ به این معنا که وقتی پیشرفت اقتصادی یک جامعه مدنظر قرار گیرد، لزوماً تولید ناخالص داخلی یک کشور مورد سنجه قرار خواهد گرفت.

بنابراین، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی جامعه، G.N.P یا تولید ناخالص ملی است که بر اساس آن قدرت اقتصادی، درجه پیشرفت و سطح زندگی هر ملت را نشان می‌دهد و آن را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «ارزش کلیه کالاها و خدمات نهایی است که مردم یک کشور در طول یکسال در قلمرو اقتصاد ملی - داخل و خارج از کشور - تولید می‌کنند. کلمه ناخالص بیانگر این است که هیچ کاهشی برای استهلاک سرمایه صرف شده برای تولید محصولات جاری در نظر گرفته نشده است.» (خلیلی تیرتاشی، ۱۳۸۴: ۱۳۸).

برای محاسبه این شاخص، روش‌های مختلفی استفاده می‌شود و یکی از آن روش‌ها، ارزش پولی

کلیه محصولات تولیدشده در یک دوره زمانی است که جمع بسته می‌شود؛ یعنی هر محصولی مانند گندم یا آهن و... تنها یکبار در نظر گرفته می‌شود و تا رسیدن به دست مصرف‌کننده مراحل مختلفی را طی می‌کند و بهتر است ارزش افزوده هر مرحله از تولید با هم جمع بسته شود. ارزش افزوده عبارت است از اختلاف بین ارزش محصول به دست آمده و عواملی که برای تولید، مصرف شده است و این کار را معمولاً همه ساله اداره حساب‌های اقتصادی بانک مرکزی هر کشور تهیه و منتشر می‌کند (همان: ۱۳۸-۱۳۹). به عبارت دیگر، ارزش افزوده، هزینه مصرف شده در مرحله تولید یک محصولی مانند گندم، تا رسیدن به مشتری است و در نهایت این که خود محصول الان چه مقدار ارزش دارد و آن را باید محاسبه کرد. روش‌های دیگری نیز در این شاخص مطرح شده و اقتصاددانان بر اساس آن محاسبه می‌کنند. در پیرامون این شاخص، شاخص‌های دیگری مانند تولید ناخالص ملی، درآمد ملی و... وجود دارد و هر کدام آن را بر اساس فرمول‌ها و تعریف خاص خودش انجام می‌دهد.

## ۵-۲. شاخص قیمت

مؤلفه یا شاخص قیمت، مقیاسی برای اندازه‌گیری تغییرات قیمت‌ها است و در جایی به کار می‌رود که کالاهای متعدد وجود داشته باشند اگر کالا یکی باشد و قیمتش افزایش پیدا کند، محاسبه آن کاری ساده‌ای است؛ مثلاً اگر جنسی از صد افغانی به صد و پنجاه افغانی افزایش قیمت داشته باشد، تقریباً همه می‌توانند بگویند که این جنس یک و نیم برابر شده یا پنجاه افغانی افزایش یافته است؛ اما زمانی که کالاها متعدد و متفاوت باشند و قیمت برخی سریع‌تر از قیمت دیگر کالاها افزایش یابد و حتی قیمت برخی از کالاها کاهش پیدا کند، مسئله پیچیده‌تر می‌شود؛ در این گونه موارد نمونه‌ای از کالاها انتخاب می‌شود و هزینه این سبد کالا در مرور زمان مورد مقایسه قرار می‌گیرد (خلیلی تیرتاشی، ۱۳۸۴: ۱۴۷-۱۴۸).

اما هدف از شاخص قیمت چیست؟ دولت‌ها در صدد قیمت‌ها هستند؛ یعنی دولت‌ها تلاش می‌کنند در عرصه اقتصاد از افزایش قیمت‌ها جلوگیری کرده و تورم را مهار کنند. در شرایط تورمی، قیمت کالاها و خدمات به سرعت افزایش پیدا می‌کند و اقتصاد کشور دچار اختلال می‌شود و افراد کم‌درآمد برای تأمین کالاهای مورد نیاز خود با مشکلات جدی روبه‌رو می‌شوند و در نتیجه، سطح رفاه عمومی که یکی از اهداف توسعه است، کاهش پیدا می‌کند. به همین خاطر است که دولت‌ها تلاش می‌کنند تا حد ممکن جلو افزایش قیمت‌ها را گرفته و تورم را مهار نمایند و با استفاده از ابزارهای مناسب، قیمت‌های کالا را تثبیت کنند یا ثابت نگه دارند (همان: ۱۷۱)؛ بنابراین، یکی از مؤلفه‌های مهم اقتصادی، شاخص قیمت کالاها است و اگر دولت‌ها بتوانند این شاخص را به خوبی کنترل

کنند و به ثبات قیمت‌ها موفق باشند و تورم روی اجناس پیش نیاید، قطعاً در عرصه اقتصاد کشور به پیشرفت‌های نایل آمده‌اند.

### ۵-۳. بیکاری و اشتغال

یکی از مشکلات جامعه، به‌ویژه نسل جوان جویای کار و اشتغال، بیکاری یا نبود کار مناسب برای آنان است. بیکاری نیز همانند شاخص‌های دیگر اقتصادی، دارای عوامل، اقسام و انواعی است و بحث مفصلی لازم دارد. آنچه در این جا بحث خواهد شد، مهم‌ترین پارامترهای این مؤلفه اقتصادی است. در عرف مردم هر شخصی که توانایی انجام کاری را داشته باشد اما اقدام به آن نکند، بیکار تلقی می‌شود؛ ولی بیکاری در زبان اقتصاد، به آن بخش از جمعیت فعال اطلاق می‌شود که هیچ شغل درآمدزایی نداشته باشد و در عین حال تمایل به داشتن آن باشد (خلیلی تیرتاشی، ۱۳۸۴: ۱۶۱). نسبت جمعیت بیکار به کل جمعیت فعال را نرخ بیکاری تعریف می‌کنند (همان: ۱۶۳). هرچند این معضل اجتماعی در اکثر کشورهای دنیا وجود دارد؛ ولی در کشورهای جهان سوم و عقب‌مانده، مانند افغانستان، بسیار حاد و مشکل‌زا است.

«گابریل آردان» می‌گوید: جهان سوم دنیایی از بیکاران مزمن است که عقب‌ماندگی و بیکاری پنهان دوشادوش هم‌اند. این یک واقعیت است که در اغلب کشورهای رو به توسعه، به علت بیکاری، از بیش‌ترین بخش نیروهای مولد به اندازه کافی استفاده نمی‌شود، کارخانه‌ها با ظرفیت کافی کار نمی‌کنند، آب سدها غالباً هدر می‌رود، از زمین‌ها با وجود حاصل‌خیز بودن به شایستگی استفاده نمی‌شود، سرمایه‌ها به خارج منتقل می‌شوند و بسیاری از گزینه‌های اقتصادی مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرند (ایولاکوست، ۱۳۷۰: ۳۵). بیکاری، و به‌خصوص بیکاری پنهان، از علل بنیادی عقب‌ماندگی است. غالب مردم به سبب پیدا نکردن کار فقیراند و چون تنگ‌دست‌اند، قادر به خریدن کالاهای مورد نیاز خود که در بیش‌تر موارد می‌شود آن‌ها را با تجهیزات موجود تهیه کرد، نیستند و سازمان‌های تولیدی سرمایه‌گذاری نکرده و کسی را استخدام نمی‌کنند و آن‌هایی هم که شانس استخدام را پیدا کرده‌اند، به دلیل کثرت متقاضی از دستمزد بسیار کمی برخوردارند (همان).

در مقابل بیکاری، اشتغال قرار دارد و نسبت جمعیت شاغل به کل جمعیت فعال یک کشور نرخ اشتغال نامیده می‌شود. اشتغال یکی از مؤلفه‌های مهم اقتصادی است؛ زیرا وضعیت استفاده جامعه از نیروهای فعال آن را نشان می‌دهد (خلیلی تیرتاشی، ۱۳۸۴: ۱۶۳). منظور از اشتغال، اشتغال صد در صدی نیروی کار نیست؛ زیرا در اقتصاد درصدی از نیروی کار به دلیل تغییر شغل و مسایل وقفه‌های کسب و کار بیکارند. تا زمانی که عدم اشتغال از چهار درصد تجاوز نکند، در اقتصاد اشتغال برقرار

است. به طور کلی، اشتغال به وضعیتی گفته می‌شود که که کلیه منابع تولیدی جامعه از قبیل نیروی کار، سرمایه، اراضی و ماشین‌آلات عاطل و باطل نباشند (همان: ۱۷۰-۱۷۱). واقعیت این است که اشتغال مردم به کار، وضعیت اجتماعی مناسبی را برای کل جامعه به بار آورده و در اقتصاد و توسعه یک کشور بسیار مفید خواهد بود. اگر اشتغال وجود نداشته باشد و بیکاری بالا باشد، شکی نیست که مشکلات زیادی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به وجود خواهد آمد؛ بنابراین، اگر یک کشور به سرانجام توسعه و پیشرفت خود بیندیشد، چاره ندارد که در اشتغال و فراهم کردن کار اهتمام بیش‌تری داشته باشد تا از این طریق هم نیروی انسانی خود را حفظ کند و هم از آثار و پیامدهای مخرب اجتماعی ناشی از بیکاری جلوگیری به عمل آورد.

## ۶. توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی دارای مفهوم گسترده و همه‌جانبه است که علاوه بر رشد کمی، چگونگی تغییرات فنی و سازمانی در کیفیت انجام تولید و تخصیص منابع انسانی و مادی و کاهش نابرابری و فقر را نیز شامل می‌شود؛ بنابراین، توسعه اقتصادی علاوه بر افزایش تولید، شرایط مساعدی را در ساختمان اجتماعی و اقتصادی جامعه فراهم می‌آورد که استمرار رشد اقتصادی را تضمین می‌کند (نظرپور، ۱۳۷۸: ۳۴). «توسعه اقتصادی به وضعیتی گفته می‌شود که در آن انسان به گونه‌ای تربیت شده که با تسلط بر تکنولوژی مدرن و استفاده بهینه از منابع، توان برنامه‌ریزی فراگیر برای تأمین رفاه جامعه را داشته، و زمینه مناسب برای نیل به کمالات انسانی برای همگان فراهم باشد.» در این تعریف، کمالات انسانی در هر نظام اقتصادی متناسب با جهان‌بینی و فرهنگ حاکم بر آن جامعه مشخص شده و متناسب با تعریف نهایی توسعه است (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۱: ۲۵). اقتصاد یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم توسعه است. جامعه توسعه‌یافته، جامعه‌ای است که اقتصاد متوازن داشته باشد؛ یعنی درآمد کافی برای خانواده‌ها، داشتن کار، تغذیه، بهداشت و... از مقوله‌های اساسی اقتصادی است که در جامعه باید در نظر گرفت و شرایطی باید فراهم شود که همگان به صورت نسبی از شغل و بهره‌گیری از منابع مادی روی زمین، به‌خصوص از زراعت و کشاورزی، احساس رضایت کنند و در عین حال سلامتی آنان از نظر بهداشت جسمانی و روانی تأمین شود.

اگر در فرایند الگوی توسعه در غرب دقت شود، این موضوع به خوبی قابل اثبات است که یکی از شاخص‌های توسعه، مدرنیزه‌شدن کشاورزی و افزایش زمین‌های زیر کشت و بهره‌وری و افزایش تولید مواد غذایی است. لذا یکی از پیامدهای مثبت توسعه در غرب، تسلط نسبی بر طبیعت و استفاده از منابع بالقوه برای رفع نیازهای مادی و افزایش تولید در تمام زمینه‌ها، به‌ویژه محصولات کشاورزی و

مواد غذایی، بوده است؛ هرچند که در جوامع اسلامی نسبت به این موضوع مهم خیلی کم توجه شده و چنین چیزی تحقق عینی نیافته است (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۱: ۴۶). استفاده بهینه و آباد کردن زمین واقعاً نیاز به تخصص و مهارت دارد. با ابزار مدرن و تکنولوژی جدید، حداکثر مواد طبیعی قابلیت بهره‌گیری دارند. روش‌های سنتی برای استفاده از زمین، پاسخ‌گوی نیازهای همه‌جانبه مردم نبوده و حداقل کارایی و ثمربخشی را خواهد داشت. یادگیری این مهارت و تخصص به عهده نظام آموزشی هر کشور است. اگر این نهاد ارزشمند توانست چنین افرادی را تربیت کند، واقعاً رفاه و آسایش جامعه را فراهم ساخته و مردم آن به سمت توسعه به پیش خواهد رفت.

## ۷. توسعه اقتصادی در منابع اسلامی

آنچه تا کنون مورد بحث قرار گرفت، ابعاد و مؤلفه‌های توسعه در سطح بین‌المللی و جهانی بود. اکنون پرسش این است که مؤلفه‌های توسعه در منابع اسلامی چگونه قابل تبیین و بررسی است؟ آیا توسعه اقتصادی در آیات و روایات و رویکرد عقلانی اسلامی مطرح شده است یا خیر؟ در ادامه با توجه به نگاه تطبیقی، در صدد بررسی ابعاد توسعه در منابع اسلامی است.

هرچند بررسی کامل موضوع اقتصادی در این تحقیق خارج از انتظار خواهد بود؛ ولی به اندازه نیاز این پژوهش، توسعه اقتصادی اسلامی بررسی خواهد شد. در منابع اسلامی آمده است که بشر را همراه با نعمت‌های فراوان خلق کرده است تا آن را به بهره‌برداری برساند. زمین یکی از نعمت‌های الهی است که در اختیار بشر قرار گرفته است تا آن را قابل استفاده نماید «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود/ ۶۱)؛ او است که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت.

کلمه «عمارت» به معنای آباد کردن چیزی است تا اثر مطلوب را دارا شود؛ بنابراین، کلمه «عمارت» به معنای آن است که زمین را از حال طبیعی برگردانی م و وضعی به آن بدهی م که بتوانیم آن فوایدی را که مترتب از زمین است، استفاده کنیم؛ مثلاً خانه خراب و غیر قابل سکونت را طوری تعمیر نماییم که قابل سکونت شود. در مسجد طوری تحول ایجاد کنی م که شایسته برای عبادت شود. زراعت را به نحوی متحول سازیم که آماده کشت و زرع شود و باغ را به صورتی درآوریم که میوه بدهد. کلمه «استعمار» به معنای طلب عمارت است؛ به این معنا که از انسانی بخواهی م زمین را آباد کند؛ به طوری که آماده بهره‌برداری شود؛ بهره‌ای که از آن زمین توقع می‌رود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۴۵۹-۴۶۲). استفاده مناسب از زمین در رفاه انسانی و اشتغال نقش بسزایی خواهد داشت؛ هم کار و هم توسعه انسانی - چنان‌که در بعد اقتصادی توسعه گذشت - ایجاد خواهد شد.

کار و اشتغال از نظر اسلام یک امر پسندیده و مطلوب به عنوان یک عامل تربیت به حساب



می‌آید؛ چنان‌که بیکاری مردود و مطرود است. کار و تربیت به عنوان رابطه علت و معلول همدیگر کاربرد دارند؛ یعنی انسان هم سازنده و خالق کار خودش است و هم کار آفریننده و خالق روح و چگونگی تربیت انسان است؛ لذا در زبان دین وقتی می‌خواهد تقدس کار را بگوید، خداوند به صورت دوست داشتن بیان می‌کند (مطهری، ۱۳۸۱: ۴۱۰-۴۱۱). در روایتی آمده است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُؤْمِنَ الْمُحْتَرِفَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۱۳)؛ خداوند مؤمنی را که دارای یک حرفه است و بدان اشتغال دارد، دوست می‌دارد. یا گفته‌اند: «الكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۹: ۵۶۶)؛ کسی که خود را برای اداره زندگی به مشقت بیندازد، مانند کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند. داشتن حرفه و کار برای جامعه بسیار ضروری است و این کار یکی از وظایف مهم نهادهای حکومتی و آموزشی است که افراد را در این زمینه تربیت می‌کنند تا در زندگی خویش با مشکل اقتصادی مواجه نشوند؛ بنابراین، یکی از اهداف توسعه اسلامی، کار و شغل مناسب برای افراد است؛ یعنی اگر بیکاری ناشی از عدم توجه به مسایل آموزشی به عنوان یک معضل در جامعه وجود نداشته باشد، جامعه رو به توسعه خواهد بود و در منابع اسلامی اهتمام خاصی در این موضوع داشته است.

## ۸. مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه

در سال ۱۹۹۰، نخستین گزارش توسعه انسانی مورد توجه دولت‌ها و کارشناسان مسایل توسعه قرار گرفت و از آن به بعد هر ساله تهیه و گزارش می‌شود و این گزارش‌ها عموماً مبتنی بر مؤلفه‌های توسعه انسانی است (سپهری، ۱۳۸۵: مقدمه کتاب). اما شاخص‌هایی که مدنظر قرار داده‌اند، عبارتند از: زندگی سالم یا امید به زندگی، سطح دانش و تحصیلات و زندگی شایسته انسانی. البته شاخص‌های تکمیلی نیز تعریف کرده‌اند که عبارتند از: شاخص عدم فقر انسانی، شاخص وابسته به جنس و در نهایت شاخص توانمندسازی جنسی (همان). در ادامه، این شاخص‌های سه‌گانه بررسی می‌شود.

## بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۴

### ۸-۱. امید به زندگی

کارشناسان توسعه انسانی، متغیرهایی را برای این عنصر در نظر گرفته‌اند. حداقل متغیر امید به زندگی، ۲۵ سال و حداکثر آن ۸۵ سال تعیین شده است (مشایخ، ۱۳۸۷: ۳۰). با توجه به این فرمول، میزان امید به زندگی افراد محاسبه می‌شود که هرچه عمر انسان بالاتر و سیر صعودی داشته باشد، امید به زندگی آن جامعه بهتر و توسعه‌یافته است؛ زیرا شرایط زندگی بهتری برای آنان فراهم شده است. فاصله‌ها در امید به زندگی از بنیادی‌ترین مباحث نابرابری و فقر انسانی است. «هیچ شاخصی واگرایی در فرصت توسعه انسانی را به اندازه مرگ و میر کودکان توصیف نمی‌کند.» در فرصت توسعه انسانی،

مرگ و میر در میان کودکان در دنیا کاهش می‌یابد. هرچند روند کار آهسته است؛ اما با هزینه‌ای که در روند زندگی برای رفاه و کاهش فقر انجام می‌دهد، امید به زندگی در میان کودکان بالا خواهد رفت (سپهری، ۱۳۸۵: ۳۴۰).

این شاخص بر محورهای عمر بیشتر، سواد و امکانات بهزیستی که در چهارچوب توسعه انسانی مدنظر قرار گرفته، متمرکز است. امید به زندگی در صورتی برای افراد حاصل خواهد شد که میانگین عمر آنان بالا رفته و با فقدان آموزش و بی‌سوادی و عدم شرایط مناسب زیستی مواجه نباشند. این متغیرها نشان می‌دهند که وضعیت زندگی افراد چگونه است و آنان چه مقدار به آب آشامیدنی سالم دسترسی داشته و از امکانات بهداشتی بهره‌مندند و کودکان دچار سوء تغذیه نیستند؛ بنابراین، یکی از قلمروها و شاخص توسعه انسانی، کاهش نرخ مرگ و میر و افزایش عمر و امید به زندگی است و توسعه‌یافتگی در لایه‌های امید به زندگی انسان کاملاً تأثیرگذار است. در کنار بسیاری از عوامل تأثیرگذار این شاخص، آموزش و پرورش نیز به عنوان منبع دانش و آگاهی‌بخش، در روند بهبود امید به زندگی کمک خواهد کرد.

## ۸-۲. سطح تحصیلات

بر اساس این شاخص، نرخ اشتغال به تحصیل از دوره‌های ابتدایی، متوسطه و عالی با متغیر حداقل صفر تا صد تعیین شده است (مشایخ، ۱۳۸۷: ۳۰)؛ به همین خاطر است که افزایش نسبت جوانانی که به سطح آموزش پایان دوره دوم متوسطه و یا عالی دست می‌یابند، یکی از نشانگرهای توسعه انسانی به حساب می‌آید (همان: ۱۶۶). بالا بودن نرخ سواد و تحصیلات عالی، همانند بسیاری از شاخص‌های دیگر انسانی، ارتباط نزدیک با توسعه دارد که در سایه نظام آموزشی پیشرفته و توسعه یافته پربار خواهد شد. اگر نظام آموزشی مناسب با توجه به شرایط، اقتضائات، نیازها و ضرورت جامعه تعریف شده و از جامعیت برخوردار باشد، تأثیر مستقیم بر ابعاد زندگی مردم خواهد داشت و کمال و جایگاه انسان

در عرصه زندگی‌اش مشخص می‌شود. **بنیاد اندیشه**

تاسیس ۱۳۹۴

بدین ترتیب، علم و دانش از پایه‌های توسعه انسانی است که در نظام آموزشی پایه‌گذاری می‌شود. اگر نهاد آموزشی یک کشور توانست مردمش را از سواد کافی و مورد نیاز برخوردار سازد، آن جامعه می‌تواند گام‌های توسعه و پیشرفت را در عرصه‌های مختلف زندگی بردارد و روندی را طی خواهد کرد که رفاه عمومی و شاخص‌های سلامتی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی را همراه خواهد داشت. بر این اساس، از اهمیت و جایگاه انسان نسبت به توسعه برمی‌آید که نظام آموزشی با فرایند توسعه یک جامعه، ارتباط نزدیکی دارد؛ زیرا موضوع تعلیم و تربیت و در سطح جزئی‌تر نظام آموزشی را انسان

تشکیل می‌دهد؛ بدین جهت، اگر کارشناسان آموزشی بتوانند یک برنامه‌ریزی جامعی برای محصلان خویش بریزند که در سطوح مختلف نظام آموزشی فرایندی را در طی چند سال بگذرانند، دارای آثار مثبت اجتماعی و انسانی در مرحله عملی و رفتاری خواهند داشت و به گونه‌ای خواهد بود که پیامد ملموس آن در تمام بدنه زندگی هر فرد جامعه مشاهده شده و به خوبی قابلیت استفاده و کارایی داشته باشد و در نتیجه از روند آن، زمینه توسعه برای جامعه فراهم می‌شود.

در مجموع، می‌توان گفت یکی از اساسی‌ترین عوامل توسعه و پیشرفت جامعه، آموزش و پرورش است و انسان از طریق آموزش‌های مناسب می‌تواند خود و جامعه را از انحراف و نابودی‌های بخش‌ها و در مسیر برابری جنسیتی و حضور در روند مدیریت و ساخت اقتصاد شکوفا و سعادت‌مند، رفاه و آسایش قرار دهد.

### ۸-۳. زندگی شایسته

این مؤلفه مربوط به رفاه و درآمدهای مردم است؛ هرچه درآمد ملی و سرانه افراد از نظر کمی و کیفی بهتر باشد، زندگی شایسته را خواهد داشت. هرچند نیروی انسانی نقش ابزاری برای توسعه دارد؛ اما این فرایند در حقیقت برای انسان‌ها است و در واقع بالا رفتن درآمد ملی و ایجاد فرصت‌های شغلی، همگی برای آن است که مردم به زندگی بهتر و آسایش بیشتر دست یابند. در هر صورت، رفع نیازهای اولیه، شرط لازم برای زندگی مناسب و رسیدن به آسایش و خوشبختی است. این نیازها مربوط به حوایج مادی انسان است؛ مانند تأمین بهداشت، مسکن، تغذیه و لباس مناسب، آموزش و پرورش و ایجاد مهارت‌های تخصصی، اشتغال و تفریحات سالم (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۱: ۲۲۸-۲۲۹). در کنار این شاخص توسعه انسانی که نمایانگر وضعیت بهداشت، آموزش و به طور کلی بهزیستی در میان کشورها و درون کشورها است، مسئله فقر و فساد نیز مطرح شده است. فساد باعث ثروتمند شدن ثروتمندان و مانع از تصمیم‌گیری صحیح و سودمند و به تضعیف نهادهای دولتی می‌انجامد (مشایخ، ۱۳۸۷: ۳۱-۳۲). فقر و محرومیت روی زندگی شایسته مردم از طریق روند توسعه‌نیافتگی تأثیر دارد. طبیعی است که مردان و زنان فقیر با احتمال کم‌تری آموزش می‌بینند و آگاهی‌های قبل از تولد را کم‌تر دریافت می‌کنند، فرزندان‌شان با احتمال کم‌تری آموزش دیده و با توفیق کم‌تری مدرسه را به پایان خواهند رساند.

توسعه به عنوان یک فرایند، زمینه را برای شکوفایی استعدادهای گوناگون انسان فراهم می‌سازد تا با استفاده درست از منابع مختلف، بستر مناسبی برای رشد تولیدات ملی، هماهنگ با تأمین خواسته‌های اصیل انسانی دیگر، فراهم آید و در نتیجه افراد جامعه مسیر تکاملی شایسته خود را با استفاده از

مهارت‌های تخصصی، شرایط کار و اشتغال بپایند (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۱: ۲۳).

## ۹. توسعه انسانی

درباره اهمیت توسعه انسانی آمده است که مردم ثروت واقعی یک ملت را تشکیل می‌دهند. در توسعه صرفاً شاخص‌های درآمد و تولید ناخالص ملی - هر چند مفیدند - کافی نیستند و بهره‌گیرندگان واقعی را نشان نمی‌دهند؛ لذا انسان‌ها به دنبال دیگر شاخص‌های توسعه هستند که بتوانند به همه مردم منفعت برسانند و لزوماً به دنبال جنبه‌های مادی قضیه نیستند (لهسایی زاده، ۱۳۸۳: ۹۰). آنچه خصوصیت و روند توسعه اقتصادی و اجتماعی یک کشور را تعیین می‌کند، منابع انسانی آن کشور است نه سرمایه و منابع مادی آن؛ زیرا انسان‌ها هستند که به صورت عوامل فعال، سرمایه‌ها را متمرکز می‌سازند، از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند، سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی راه می‌اندازند و توسعه مورد نظر خود را تحقق می‌بخشند. کشوری که نتواند سطح آگاهی، مهارت‌ها و دانش مردم را گسترش دهد و نتواند از آن در روند توسعه خود به گونه‌ای مؤثر و شایسته استفاده کند، قادر نیست در این جهت قدمی به جلو بردارد (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۱: ۸۳).

در بعد اقتصادی نیز نیروی انسانی یکی از عوامل تولید است که در کنار سایر عوامل نقش خاصی در تولید ایفا می‌کند. هر کدام از این عوامل در جایگاه خود دارای اهمیت‌اند؛ اما نیروی انسانی نسبت به سایر عوامل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا وظیفه ترکیب سایر عوامل تولید را داشته و خود مصرف‌کننده محصولات است؛ بنابراین، مهم‌ترین سرمایه یک ملت، نیروی انسانی دانش‌آموخته است که ملت را به سمت پیشرفت و توسعه هدایت می‌کند. هر چه نیروی کار، دارای تحصیلات، وجدان کاری و مسئولیت‌پذیری بیش‌تر باشد، در تولید اقتصاد جامعه تأثیر چشم‌گیرتری خواهد داشت (خلیلی تیرتاشی، ۱۳۸۴: ۱۵۹).

## ۱۰. توسعه انسانی در منابع اسلامی

یکی از مبانی مهم آیات قرآن کریم برای انسان، کرامت ذاتی و برتری او بر سایر مخلوقات است «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً» (اسراء/ ۷۰). وقتی قرآن کریم انسان را این‌گونه معرفی می‌کند که ذات وی مهم است، برتری‌های ظاهری از بین می‌رود و تفاوت‌های جنسیتی و امتیازهای مادی مطرح نیست؛ بلکه آنچه اهمیت دارد، انسانیت است. به تعبیر دیگر، گرامی داشتن انسان صرفاً یک امر معاشرتی و قراردادی نیست؛ بلکه خداوند او را در خلقت و آفرینش مکرم ساخته و این عزت و بزرگواری جزء سرشت

وی قرار دارد و اگر انسان خود را آن‌طور که هست بیابد، به عزت می‌رسد (مطهری، ۱۳۸۱: ۲۳۰)؛ بنابراین، انسان با توجه به کرامت و جایگاهی که در میان مخلوقات خداوند دارد، در منابع اسلامی بسیار با اهمیت و پررنگ مطرح شده است.

در منابع اسلامی، مؤلفه‌های توسعه انسانی را می‌توان مطابق آنچه سازمان‌های بین‌المللی برای توسعه انسانی تبیین کرده‌اند، مطرح کرد و به نظر می‌رسد اگر جامعه‌ای از حق انتخاب بهتر، رشد و هدایت لازم همراه با علم‌ورزی و دانش‌پروری برخوردار باشد، به توسعه انسانی دست خواهد یافت و در ادامه به این عناصر اشاره می‌شود.

## ۱۰-۱. وسع و فراخی

امید به زندگی یکی از مؤلفه‌های مهم توسعه انسانی است و هدف از آن آرامش و سلامت زندگی فرد در سایه استفاده از امکانات طبیعی و مادی است و از این طریق میانگین عمر وی ارتقا پیدا کرده و به این هدف نایل می‌آید. به نظر می‌رسد مفهوم اسلامی که با این شاخص ارتباط داشته باشد، واژه «وسع» است. بر اساس مفهوم این کلمه، انسان از انتخاب مادی و معنوی بیش‌تری در زندگی خویش برخوردار است؛ انتخابی که در امید به زندگی نقشی اساسی و تأثیرگذار دارد؛ بنابراین، از عناصر توسعه انسانی در منابع اسلامی، کلمه وسع است و این واژه به معنای فراخ، گشادگی (عمید، ۱۳۸۹: ۱۰۵۳)، واجد بودن، دارایی، توان و طاقت آمده و در دو معنای مادی و معنوی در قرآن کریم به کار رفته است (برادران حقیر، ۱۳۹۰: ۱۰۸). در مفهوم مادی آن می‌توان به این آیه استدلال کرد: «يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ» (عنکبوت/۵۶). آنچه از سیاق برمی‌آید، مقصود از کلمه «ارض» در جمله «إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ»، همه کره زمین است که ما بر پشت آن قرار گرفته و زندگی می‌کنیم، و اگر فرموده: زمین من فراخ است برای این است که بفهماند زمین ملک او است، و بندگی بندگان هر جا که باشد، برای او فرقی ندارد (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۲۱۷). خداوند کره زمین را به گونه‌ای برای انسان قرار داده تا او انتخاب و آزادی بهتری به منظور رفاه و آسایش زندگی خویش داشته باشد. انتخاب و آزادی بهتر یعنی امید به زندگی بیش‌تر و افزایش عمر انسان. از آن طرف، یکی از کاربردهای توسعه نیز حق آزادی و انتخاب بهتر در مسیر زندگی انسان است؛ لذا اگر این مفهوم مادی و قرآنی در فرایند زندگی انسانی به خوبی تبیین شود، در عین این‌که استفاده بهینه از این نعمت الهی خواهد شد، زمینه امید به زندگی در هر نقطه این زمین فراهم خواهد شد.

در معنای معنوی این واژه به این‌گونه آیات استدلال کرده است: «وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا» (اعراف/۸۹) و یا می‌فرماید: «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (اعراف/۱۵۶). علم و رحمت الهی از دایره وسیعی

برخوردار است. اگر جامعه اسلامی بخواهد به توسعه انسانی دست یابد، لزوماً نیازمند امور معنوی است. چنان‌که توسعه اقتصادی صرف نتوانست سلامتی انسان را تضمین و مشکلات جوامع انسانی را حل کند، کارشناسان توسعه به سمت و سوی توسعه همه‌جانبه انسانی رفتند و مشاهده می‌شود که آسایش روحی نیز در ارتقا و افزایش عمر و سلامت فرد کمک شایانی خواهد نمود؛ لذا متکی به رحمت و وسعۀ خداوند، فرد را از نظر معنوی می‌تواند به سلامتی بیش‌تر در ارتقای عمر کمک کند و زمینه امید را در زندگی افزایش دهد.

## ۱۰-۲. علم‌آموزی

فراگیری علم و دانش با شاخص «سطح تحصیلات» ارتباط داشته و در آموزه‌های اسلامی به یادگیری علم و دانش اهمیت بسیاری داده شده و نقش آن را در زندگی افراد، امر ضروری به حساب می‌آید و بر این اساس، مقام یک جامعه و ملت و پیشرفت آن کاملاً به مقام علمی آن بستگی دارد؛ از این‌رو، در طول تاریخ، پیامبران الهی انسان‌ها را از راه تعلیم از جهل و نادانی به سوی کمال رهنمون می‌کردند. خداوند به پیامبر اکرم (ص) فرمود: «أَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ \* خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ \* أَقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ \* عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ». در این آیات، خداوند پایه‌های آموزش را بنا نهاد و از خداوند به عنوان معلم اول و از پیامبر اسلام به عنوان معلم دوم یاد شده است. هم‌چنین، در آیه ۱۲۹ سوره بقره از پیامبر (ص) با عنوان معلم کتاب و حکمت یاد می‌شود. خداوند متعال در بیش‌تر آیات از جمله آیه ۹ سوره زمر، برتری علم و عالم را گوشزد می‌کند و در آیه ۱۱۴ سوره طه به پیامبر توصیه کرده که بگو: بار خدایا علم مرا افزون کن.

پیامبر اسلام نیز در احادیث متعدد به علم و دانش، به دلیل توسعه و پیشرفت اسلام، اهمیت ویژه و فوق‌العاده‌ای داده و تعلم و دانش‌طلبی را بر هر مسلمانی واجب دانسته است. ایشان فدیۀ آزادی اسرای جنگ بدر را تعلیم مسلمانان قرار داده‌اند. هم‌چنین، به زید بن ثابت توصیه کرد زبان‌های دیگر مثل سریانی و عبری را بیاموزد. پیامبر (ص) در حدیثی دیگر، سعادت، توسعه و پیشرفت دنیا و آخرت را در علم می‌داند و می‌فرماید: «مَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا فَعَلَيْهِ بِالْعِلْمِ وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ فَعَلَيْهِ بِالْعِلْمِ وَمَنْ أَرَادَهُمَا مَعاً فَعَلَيْهِ بِالْعِلْمِ (النظام التربوی فی الاسلام، ۱۴۲۰ ق: ۱۸۳)؛ کسی که دنیا بخواهد، باید در دانایی بکوشد و کسی که آخرت می‌خواهد نیز باید در دانایی بکوشد و کسی که هر دو را می‌خواهد، باز باید در دانایی بکوشد و نیز فرمودند: «هَلَاكُ أُمَّتِي فِي تَرْكِ الْعِلْمِ» (ارشادالقلوب، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۸۳)؛ تباه‌شدن امت من در رها کردن دانش است. حضرت علی (ع) فرمودند: «إِكْسَبُوا الْعِلْمَ يَكْسِبُكُمُ الْحَيَاتُ» (غررالحکم، ۱۳۸۴: حکمت ۲۴۸۶)؛ علم را به دست آورید که به شما زندگی خواهد بخشید.

رشد دانش که موجب توسعه و گسترش و در نهایت پیشرفت معرفت بشری و جامعه اسلامی است، چه در زمینه علوم انسانی و چه در حیطه اختراعات و اکتشافات، در هر عصری معلول عوامل و شرایط و ویژگی‌های خاص زمانی، اجتماعی و محیطی حاکم بر آن عصر است و در مقابل، رکود و ایستایی علم در هر عصری معلول موانع موجود در آن عصر می‌باشد؛ از این رو، لازم و ضروری است که عوامل پیشرفت دانش و موانع آن شناسایی شوند تا بتوان عوامل پیشرفت و توسعه را در تقویت و موانع برطرف کرد (https://rasekhoon.net).

منظور از علمی که در منابع اسلامی مطرح شده، علم نافع و حقیقت آن است؛ لذا در حدیثی، مراحل علم را بیان می‌کند که اگر انسان در مرحله آخر آن برسد، جایگاه انسانی و علم واقعی را به دست می‌آورد «الْعِلْمُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَشْبَارٍ إِذَا وَصَلَ إِلَى الشُّبْرِ الْأَوَّلِ تَكَبَّرَ وَإِذَا وَصَلَ إِلَى الشُّبْرِ الثَّانِي تَوَاضَعَ وَإِذَا وَصَلَ إِلَى الشُّبْرِ الثَّلَاثِ عَلِمَ أَنَّهُ لَا يَعْلَمُ شَيْئًا»؛ در مرحله اول تکبر برای انسان دست می‌دهد و خیال می‌کند که تمام حقایق عالم را می‌داند و در مرحله دوم می‌داند که نه این طور هم نیست و متواضع شده و پایین می‌آید و در مرحله آخر می‌فهمد که نسبت به آنچه باید بداند، هیچ نمی‌داند؛ به همین دلیل است که در تعلیم و تربیت باید به روح علمی توجه نمود که همانا روح حقیقت‌جویی و عاری از بیماری‌ها، تعصب‌ها، جمودها، غرورها و تکبرها است و در مسایل انسانی صرفاً دانایی کافی نیست و باید به همه جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی توجه کرد (مطهری، ۱۳۸۱: ۵۴). علاوه بر آن، نهاد آموزشی به عنوان مؤثرترین نهاد اجتماعی، ضمن تعلیم قوانین علمی حاکم بر جهان، باید نگرش علمی همراه با دید الهی را در متعلمان تقویت کند تا همه پدیده‌ها و نظام حاکم بر آن‌ها را جلوه حق تعالی ببینند؛ به گونه‌ای که هر فرد پس از پایان تحصیلات، خدمت به مردم را یک ارزش تلقی کند. بدون شک، این انگیزه تنها با وجود ایمان و تعهد همراه با تخصص امکان‌پذیر است (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۱: ۹۰). بر این اساس، ضرورت دارد که در توسعه آموزشی به جایگاه واقعی علم و ترغیب دانش‌آموزان به تفکر و اندیشه پرداخت تا آنان مجال فراگیری علوم مفید را که همه جلوه‌های مادی و معنوی مورد نیاز در آن متبلورند، درک کنند.

تاسیس ۱۳۹۴

### ۳-۱۰. رشد و عدالت انسانی

به نظر می‌رسد یکی از مؤلفه‌های توسعه انسانی اسلامی، واژه‌های رشد و عدالت باشد. این شاخص با شاخص «زندگی شایسته» ارتباط نزدیکی خواهد داشت؛ به این معنا که وقتی انسانی رشد یافت

۱. این حدیث را برخی منسوب به امام صادق می‌دانند؛ اما برخی می‌گویند جملات اخلاقی است که بین علما و دانشمندان اسلامی مطرح شده است.

و هدایت شد، زندگی شایسته‌ای خواهد داشت و «زندگی شایسته» همانند «رشد انسانی» به صورت لحظه‌ای و آنی حاصل نخواهد شد و فرایندی را طی خواهد کرد تا به زندگی مطلوب دست پیدا کند و در نتیجه می‌توان ادعا کرد که رشد انسانی همواره زندگی شایسته‌ای را در پی خواهد داشت؛ بنابراین، یکی از مؤلفه‌های توسعه انسانی، معنای «رشد» است و در مفهوم آن گفته‌اند: «رشد عبارت است از تغییرات کمی و کیفی نسبتاً پایدار، مستمر و فراگیر در قابلیت‌ها، ساخت و رفتار انسان که تحت تأثیر نضج و تعامل آن با محیط، در قالب الگویی منظم و منسجم صورت می‌پذیرد و مستلزم وحدت پیچیده کنش‌ها می‌باشد.» (مصباح و دیگران، ۱۳۷۴: ۷۸). واژه رشد در قرآن مجید زیاد به کار رفته است و تعبیر گسترده و جامعی دارد که هرگونه امتیازی را دربرمی‌گیرد، راهی است صاف، بدون پیچ و خم، روشن و واضح که پویندگان را به سر منزل سعادت و کمال می‌رساند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ج ۲۵: ۱۰۳). در تفسیر کلمه رشد گفته شده است به معنای رسیدن به واقع در هر نظریه است که خلاف آن یعنی به خطا رفتن از واقع را «غی» می‌گویند و «هدایت قرآن به سوی رشد» همان دعوت او است به سوی عقاید حق و اعمالی که عاملش را به سعادت واقعی می‌رساند (طباطبایی، ج ۲۰: ۵۹). سعادت واقعی همان زندگی شایسته فرد در این دنیا است که در مباحث توسعه انسانی به عنوان یک شاخص برجسته مطرح است و شخص سعادت‌مند نمونه‌ای است از یک انسان رشدیافته که زندگی شایسته را برای جامعه انسانی به عنوان یک شاخص برجسته ارائه می‌دهد.

در منابع اسلامی و قرآنی، میزان نمودن و سنجش این شاخص را نیز در نظر گرفته است که فرد چه زمانی به رشد کافی می‌رسد. نمونه آن امتحان یتیمان به عنوان سنجش رشد انسانی در قرآن کریم است و تا زمانی که آنان به رشد کافی نرسیده باشند، نباید اموال‌شان را در اختیار آنان قرار داد «وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» (نساء/ ۶). بالغ و رشید بودن فرد معیار مهمی برای پیشرفت و توسعه انسانی است که حق تصرف و استفاده بهینه از اموال خود را در زندگی خویش خواهد داشت و اگر کسی از چنین شایستگی و رشد کافی برخوردار نباشد، حق استفاده از اموال خود را ندارد؛ بنابراین، در منابع اسلامی، شاخص‌ها یا مؤلفه‌های توسعه انسانی، جامع‌نگری و رشد کافی افراد در زندگی‌شان است.

یکی دیگر از شاخص‌های انسانی و در عین حال قابل دست‌یافتنی نسبی و مرتبط با «زندگی شایسته»، مسئله عدالت اجتماعی است که در مباحث اسلامی مطرح شده و عدالت در حکومت‌داری و رفتار عادلانه با مردم «فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (مائده/ ۴۲)، توزیع برابر امکانات عمومی و دولتی، محورهای مهم عدالت اجتماعی و سیاسی است. تردیدی نیست که عدالت‌طلبی خواسته همه افراد بشر است و اگر عدالت در جامعه‌ای حاکم شود، بسیاری از مشکلات و مسایل



اجتماعی دیگر حل شده و زندگی شایسته برای آنان فراهم می‌شود. فرهنگ استفاده از عدالت بستری است برای هر کسی و هر چیزی در جایگاه خودش و کسی از حد و حدود خودش تجاوز نخواهد کرد. در منابع اسلامی، و به خصوص در قرآن کریم، این موضوع بسیار مهم و اساسی مطرح شده است تا جایی که یکی از اهداف پیامبران الهی را برپایی عدالت و قسط در جامعه می‌داند «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/ ۲۵)؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل) نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند.

### نتیجه‌گیری

مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصادی تولید ناخالص داخلی، تعیین قیمت‌ها و اشتغال است. اگر در جامعه‌ای تولید داخلی اش مناسب بود و دولت‌هایش توانست قیمت‌ها را تثبیت نمایند و بیکاری به معنای خاصش وجود نداشته باشد، توانسته است گام‌هایی را در راستای تحقق اهداف توسعه اقتصادی بردارد. اما چنان‌که گذشت، امروزه توسعه‌یافتگی صرفاً به دنبال ترقی اقتصاد نیست؛ بلکه توسعه انسانی دارای اهمیت است؛ زیرا مردم ثروت واقعی یک ملت را تشکیل می‌دهند. در توسعه صرفاً شاخص‌های درآمد و تولید ناخالص ملی - هرچند مفیداند - کافی نیستند و بهره‌گیرندگان واقعی را نشان نمی‌دهند؛ لذا انسان‌ها به دنبال دیگر شاخص‌های توسعه هستند که بتوانند به همه مردم منفعت برسانند و لزوماً به دنبال جنبه‌های مادی قضیه نیستند. آنچه خصوصیت و روند توسعه اقتصادی و اجتماعی یک کشور را تعیین می‌کند، منابع انسانی آن کشور است نه سرمایه و منابع مادی آن؛ زیرا انسان‌ها هستند که به صورت عوامل فعال، سرمایه‌ها را متراکم می‌سازند، از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند، سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی راه می‌اندازند و توسعه مورد نظر خود را تحقق می‌بخشند.

جایگاه انسانی توسعه با فراگیری دانش لازم و مورد نیاز جامعه و رشد افراد به منظور زندگی شایسته و ارتقای امید به زندگی ارتباط دارد. در رویکرد اسلامی، علوم ضروری و اهتمام به یادگیری دانش مورد نیاز از جایگاه بالایی برخوردار است و در عین حال، انسان از مبانی کرامت ذاتی برخوردار است و با او باید رفتار عادلانه داشت. رویکرد اسلامی اهتمام بر یادگیری حرفه و فن داشته است و اشتغال یک امری مهم و پسندیده محسوب می‌شود. در عین حال به عدالت اجتماعی به عنوان الگوی عمومی باور دارد و در منابع اسلامی نیز به این رویکرد تأکید شده است.

در مجموع، آنچه در مباحث توسعه اهمیت دارد، رسیدن فرد و جامعه به زندگی سالم و رفاه اقتصادی و اجتماعی است. به نظر می‌رسد هر امری همانند علم، عدالت، رشد و هر موضوع دیگری

که در این فرایند کمک نماید، می‌تواند به عنوان شاخص یا عنصر توسعه به حساب آید. با تأسف باید گفت توسعه در کشورهای توسعه‌نیافته یا فقیری مانند کشور افغانستان، راه دشوار و پر پیچ و خمی دارد و تازمانی که اندیشه و رفتار توسعه‌ای مبتنی بر شاخص‌ها و مؤلفه‌های آن تحقق پیدا کند، کاری سخت و راه طولانی خواهد داشت.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.
۲. ایولاکوست (۱۳۷۰)، کشورهای رو به توسعه، ترجمه غلامرضا افشار نادری، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۳. خلیلی تیرتاشی، نصرالله (۱۳۸۴)، مبانی علم اقتصاد، قم، انتشارات دارالهدی، چاپ اول.
۴. خلیلیان اشکذری، محمدجمال (۱۳۸۱)، فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی (بررسی سازگاری و ناسازگاری)، تهران و قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول.
۵. سپهری، محمدرضا (۱۳۸۵)، توسعه انسانی، تهران، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، چاپ اول.
۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، ج ۵، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹)، الکافی، ج ۹، قم، انتشارات دارالحدیث.
۸. لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران، دانشگاه پیام نور، چاپ سوم.
۹. مشایخ، فریده (۱۳۸۵)، دیدگاه‌های نو در برنامه‌ریزی آموزشی، تهران، انتشارات سمت، چاپ هشتم.
۱۰. مصباح و دیگران، علی (۱۳۷۴)، روان‌شناسی رشد (۱)، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.
۱۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سی و هشتم.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج ۱، تهران، دارالکتب السلامیه.
۱۳. موسوی همدانی، سید محمدباقر (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیرالمیزان، ج ۱۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. نظریور، محمدنقی (۱۳۷۸)، ارزش‌ها و توسعه، بی‌جله، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.